

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ جولای ۲۰۲۴

"بز ده غم جان کندن، قصاب ده غم چربو*!"

سه شنبه- ۱۲ سرطان ۱۴۰۳ - کابل: در این روز ها که باز هم اقلیم بری و خشک کشور با گرمای طاقت فرسا تاب و توان مردم را از بین برده است و در اکثر شهر ها نه از برق خبری است و نه از وسایل تنظیم و کاهش میزان حرارت اتاقها و از آب آشامیدنی که جای خود دارد، حتا آب برای استحمام نیز در اکثر نقاط قابل دسترسی نیست و مردم دردمند و تحت ستم کشور ناگزیر اند با چنین شرایط جوی بسوزند و بسازند.

و از طرف دیگر هر روزی که بر عمر نکبتبار طالب افزوده می شود، این دارودسته مزدور و جنایتکار دستور دیگری از باداران امپریالیستی شان را از جیب تاریخزده شان بیرون کشیده به فرمان "ننولیبالیسم" و سیاست هایش، مبنی بر کاستن از بار دولت، دستش را بر جیب و دسترخوان تقریباً خالی کارمندان دولتی که به جز نیروی کارشان چیزی برای فروش ندارند، دراز می نماید و هر روزی که می گذرد از حقوق ماهوار آنها می کاهد و با این حقه می خواهد به غیر ملا و چلی، امکان ادامه حیات را بر بقیه مردم افغانستان محدود و محدودتر ساخته بقیه اقلیت اجتماعی را یا وادار به فرار از افغانستان کند و یا هم ناگزیر سازد تا ملا و چلی شوند، می بینیم که هنوز هم تعدادی از تیکه داران دین و سیاست، تلاش دارند تا خود را مطرح نموده در خوان غارت با طالب شریک بگردند.

این قشر منحن که با تأسف در کنار تکنوکراتان و جهادیان دزد، تعدادی از شبه روشنفکران خزیده در جنبش چپ نیز در میان آنهاست و در عمل ثابت نموده اند که حین تکیه بر سریر قدرت در فساد و چپاول دارائی های کشور و مردم نه تنها دست کمی از طالب ندارند بلکه طالب می باید نزد آنها قند و دستمال شاگردی بگذارد، بسیار آگاهانه در بازی هائی که قدرتهای امپریالیستی دور و نزدیک برای فریب مردم ترتیب می دهند اشتراک ورزیده، با شرکت شان در واقع به چشم مردم خاک امید از قدرت های خارجی می زنند.

هموطنان گرمی!

وقتی که ملل متحد بحث در مورد زن ستیزی افراطی و تخطی از حقوق بشر و سلب آزادی های دموکراتیک مردم از جانب طالب را در اجندا شامل نمی سازد و رئیس هیأت طالبان یعنی "ذبیح الله مجاهد" هم با صراحت اعلام می دارد که آن نکات مسایل داخلی افغانستان است و فقط می شود در باره با مردم افغانستان بحث کرد، اگر از انصاف و واقعیت نگذریم هر دو هم راست می گویند و هم کار درستی انجام می دهند.

راست می گویند زیرا مسأله مربوط به خود ماست که اگر واقعاً با آنچه طالب می کند مخالف هستیم، صدایمان را خود بلند نمائیم. یعنی ما که هنگام رجز خوانی خود را فاتح و برتر از ابرقدرت ها می دانیم و ادعا داریم که در دوام شیرهای انگلیس، خرس روسی و کل مرغ و کرگس امریکائی را به زیر کشیده ایم، چرا اکنون در مقابل چند کفتار چنین زبون شده ایم که دست کمک و تکیه به اجانب از ملل متحد گرفته تا قدرتهای شرق و غرب دراز می نمائیم.

کار درستی انجام داده اند زیرا در عمل به ما می خواهند تفهیم نمایند که بهتر است از گریه و زاری برای داشتن قیم بشریم و به جای این که همه روزه سر سجود در پای بت های جدیدی خم می نمائیم به تکیه به نیروی خود، مستقلانه حرکت کنیم.

هموطنان گرامی!

این درست است که زندگانی در داخل کشور از بسا جهات طاقت فرسا و خطرناک است و همیشه باید کوشید تا از حملات مستقیم و غیر مستقیم طالب و طالبیسم و در کل نظام ملاسالار مصون ماند. امری که گاهی تمام نیروی انسان را به خود اختصاص می دهد. مگر این نکته نیز یک واقعیت انکار ناپذیر است که اگر بخواهیم اوضاع و کشور را تغییر بدهیم می باید در کنار بیش از ۴۰ میلیون باشنده دیگر وطن خود بمانیم.

هموطنان گرامی!

به خصوص آنهایی که در داخل کشور تا حال توانسته اند علی رغم گرمای تقریباً ۵۰ درجه سانتی گراد، مقاومت نموده افغانستان را ترک ننمایند، این واقعیت را همیشه به خاطر داشته باشند که آنهایی که با "ب۵۲" آمده بودند و با "ب۵۲" مجدداً گریختند، هم آمدن شان به دستور اربابان شان بود و هم رفتن شان و نباید هیچ امیدی به عملکرد آنها داشته باشند. آنها همه بدون استثناء از چپ و راست همه لاشخورهایی اند که می خواهند با اتکاء به نیروی اربابان شان یا در خوان غارت با طالب شریک ساخته شوند و یا به مثابه ابزاری جهت بچه ترسانک طالب به کار گرفته شوند. بیایید با درک این واقعیت که "هیچ کس نخارد پشت من، جز سرانگشت من"، به جز نیروی خود و تلاش جهت وحدت رزمنده علیه طالب و طالبیسم منتظر از ما "بهتران" دیروزی و "قدرتمندان" امروزی نباشیم.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!

***- یادداشت:**

ضرب المثلی که به مثابه عنوان انتخاب گردیده، با زبان نگارش چنین نوشته می شود:

"بز در غم جان کنن، قصاب در غم چربو"

عمر قریشی